



سال ششم • پاییز و زمستان ۹۹ • شماره ۱۳

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 6, No. 13, Autumn & Winter 2021

درآمدی بر نظریه اریکسن و مطابقت آن با رویکرد اسلامی

* محمد زارعی توپخانه

** علی فتحی آشتیانی

*** مسعود جان بزرگی

**** علی زهیری هاشم‌آبادی

چکیده

نظریه تحول روانی اجتماعی اریکسن یکی از معروف‌ترین نظریه‌های رشد و شخصیت است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مذهب و معنویت در نظریه اریکسن و ارزیابی نظریه وی بر اساس منابع اسلامی صورت گرفته است. در این پژوهش از روش اجتهادی استفاده شده است که نوعی تحلیل محتوای کیفی است و بر اساس آن، منابع اسلامی و روان‌شناسی مرتبط بررسی و تحلیل شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل متون روان‌شناسی و دینی حکایت از آن دارد که مذهب و معنویت در رشد انسان نقشی مهم ایفا می‌کند. یازده مفروضه انسان‌شناختی در نظریه اریکسن قابل استخراج است که در بسیاری از موارد با مفروضه‌های انسان‌شناسی اسلامی همسو است. یافته دیگر این پژوهش نشان می‌دهد از بین مراحل هشت‌گانه، سه مرحله از مراحل روانی اجتماعی اریکسن؛ اعتماد در برابر بی‌اعتمادی، هویت در برابر گم‌گشتگی هویت و یکپارچگی در برابر نومی‌دی، به‌طور ویژه با مذهب و معنویت در ارتباط است. این مسئله بر اساس منابع اسلامی هم مورد تأیید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اریکسن، مراحل روانی اجتماعی، مذهب، معنویت

* استادیار گروه خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم | mohammadz@rihu.ac.ir

** استاد تمام گروه روان‌شناسی، دانشگاه بقیه‌الله تهران

*** استاد تمام گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

**** دانشجوی دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

مقدمه

نقش معنویت و مذهب در شکل‌گیری شخصیت و رشد انسان از دیرباز مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان بوده است و نظریه‌های متعددی از تأثیر معنویت و مذهب در تحول و شکل‌گیری شخصیت انسان سخن به میان آورده‌اند (ولبورن^۱، ۲۰۱۳). فریدمن^۲ و اسکوستاک^۳ (۲۰۰۶) دین و معنویت را یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در تاریخچه روان‌شناسی شخصیت برشمرده‌اند. «اریکس اریکسن»^۴ در زمره روان‌شناسانی است که می‌توان دیدگاهش را در زمینه مذهب و معنویت بررسی کرد. او از جمله روان‌تحلیل‌گرانی است که به «روان‌شناس من»^۵ معروف‌اند. وی برخلاف فروید، برای پایگاه «من» کارکردهای متنوع و مستقلی قائل بود و آن را نیرویی قوی، حیاتی و مثبت می‌دانست که قادر است شخصیت را انسجام بخشد و سازمان‌دهی روانی را به ارمغان آورد (اریکسن، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵). اریکسن اغلب مفاهیم اساسی نظریه فروید مانند نیروهای کشاننده، پایگاه‌های شخصیت (بن، من، فرامن)، مراحل تحول روانی - جنسی، مقاومت، واپس‌روی، ناهشیاری، تجارب کودکی و نقش انتقال در درمان را پذیرفت (توماس^۶، ۲۰۰۰؛ ولچمن^۷، ۲۰۰۰). وی ساختار نظریه فروید را حفظ کرد و دامنه آن را توسعه داد و چهار موضوع مهم به آن افزود. اول اینکه به مراحل روانی جنسی، چهار مرحله اضافه کرد و چرخه زندگی را تا بزرگسالی و پیری تحت عنوان مراحل روانی اجتماعی توسعه داد. دوم اینکه به مراحل تحول فروید یک بعد اجتماعی افزود. دیگر اینکه نقش عوامل فرهنگی، تاریخی، اجتماعی را به عوامل زیستی افزود. درنهایت، برای «من» به عنوان عنصر اساسی رشد شخصیت بیش از «بن» ارزش قائل بود (انگلر^۸، ۲۰۱۳). وی بر روان‌تحلیل‌گری و فرهنگ عمومی تأثیر زیادی گذاشت. آثار معروف اریکسن عبارت‌اند از: کودکی و جامعه (۱۹۶۳)؛ لوتر جوان (۱۹۵۸)؛ هویت، جوانی و بحران (۱۹۶۸)؛ واقعیت‌گاندی (۱۹۶۹)؛ ابعاد هویت تازه (۱۹۷۴)؛ تاریخچه زندگی و لحظه تاریخی (۱۹۷۵)؛ هویت و چرخه زندگی (۱۹۹۴) و تکمیل چرخه زندگی (۱۹۸۲، ۱۹۹۷). بسیاری از مقالات او هم در کتاب راهی برای

1. Walborn, F

2. Friedman, H. S

3. Schustack, M. W

4. Erikson, E. H

5. Ego-Psychologist

6. Thomas, R. M

7. Welchman, K

8. Engler, B

نگریستن به مسائل (اریکسن، ۱۹۹۷) جمع‌آوری شده است.

اریکسن را باید مبدع اصطلاح «بحران هویت»^۱ دانست فردی که خود نه تنها با بحران هویت روان‌شناختی دست‌وپنجه نرم کرد بلکه به هویت زیست‌شناختی اطمینان نداشت. او به تبع ناپدری‌اش که یک پزشک یهودی متعصب بود، دین یهود را اختیار کرد (کاپس^۲، ۱۹۹۷). از آنجایی که اریکسن از والدین دانمارکی به دنیا آمده بود ظاهراً به شدت با ناپدری‌اش متفاوت بود. او در یک خانواده یهودی بزرگ شده بود اما زمینه‌های ژنتیکی دانمارکی داشت و همین مسئله بحران هویت وی را تشدید می‌کرد. مسئله هویت برای اریکسن در حدود ۱۹۳۹ حل شد زمانی که تحت عنوان اریک هومبرگر اریکسن به‌عنوان یک شهروند آمریکایی شناخته شد و به دین مسیحیت گروید (انگلس، ۲۰۱۳). اریکسن درباره هویت دینی خود این‌گونه می‌نویسد که در نوجوانی در پی هویت دینی خود تحت تأثیر یک کشیش پروتستان قرار گرفتم و این تجربه در طول زندگی برایم بی‌نظیر بوده است (اریکسن، ۱۹۵۸، ص ۱۰). اریکسن با مطالعات فراوانی که در کشور هند و قبایل کالیفرنیا آمریکا انجام داد به این نتیجه دست یافت که «احساس هویت» امری جهانی است و با مطالعه زندگی رهبران مذهبی مانند «گاندی»^۳ و «لوتر»^۴، احساس هویت مذهبی معنوی را یکی از جنبه‌های اساسی احساس هویت دانست (ولبورن^۵، ۲۰۱۳). از عبارات اریکسن به دست می‌آید تصویر یک انسان تکامل‌یافته و همه‌جانبه، توصیفی از ویژگی‌های مارتین لوتر به‌عنوان یک رهبر معنوی مذهبی است (اریکسن، ۱۹۵۸). با مراجعه به نوشته‌های اریکسن درمی‌یابیم که مذهب و معنویت در این نظریه مورد بحث قرار گرفته است. با این وجود، در پژوهش‌های گذشته روشن نشده است که مذهب و معنویت چگونه و چه اندازه در احساس هویت و تحول شخصیت نقش دارد. از سوی دیگر، مفاهیم و مسائل نظریه اریکسن تا چه اندازه با دیدگاه اسلامی همسوئی دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد بررسی نقش مذهب و معنویت در نظریه اریکسن است و از سوی دیگر بر آن است با نگاه تطبیقی نظریه اریکسن را با رویکرد اسلامی مورد مطالعه قرار دهد و به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

1. Identity Crisis

2. Capps, D

3. Gandhi, M

4. Luther, M

5. Walborn, F

۱. مذهب و معنویت در نظریه اریکسن چه نقشی دارد؟
۲. نظریه اریکسن از دیدگاه اسلامی چگونه ارزیابی می‌شود؟

روش

تحقیق مذکور از نوع بنیادین و نظری است. در این پژوهش از روش اجتهادی استفاده شده است. این روش نوعی تحلیل محتوای کیفی است که از دیرباز اندیشمندان مسلمان برای تحلیل متون قرآنی و روایی از آن استفاده کرده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰). روش اجتهادی یکی از مهم‌ترین روش‌های فهم متون دینی است که به استنباط، استخراج، بررسی مبانی و مسائل منابع دینی می‌پردازد (علیپور و حسنی، ۱۳۸۹، نورعلی‌زاده، ۱۳۹۷، زارعی، ۱۳۹۸). برخی محققان به‌جای روش اجتهادی از تعابیر دیگری مانند روش تحلیل محتوا در متون دینی، روش نقلی (شجاعی، ۱۳۹۴) و روش فقه الحدیث (مسعودی، ۱۳۹۵) استفاده کرده‌اند. در این پژوهش، از منابع دست‌اول اسلامی مانند قرآن و کتب روایی استفاده شده است و دیدگاه اندیشمندان اسلامی هم به‌عنوان تأیید، مورد استناد قرار گرفته است. در این مقاله از منابع معتبر روان‌شناسی مانند کتب و مقالات پژوهشی مرتبط هم استفاده شده است.

مراحل پژوهش به‌قرار زیر است: اول: رجوع به منابع روان‌شناسی مرتبط با نظریه اریکسن و استخراج مفاهیم و موضوعات مرتبط با دین (نگرش دینی، مؤلفه‌های انسان‌شناسی، مراحل روانی اجتماعی و جنسیت). دوم: تعیین منابع معتبر اسلامی شامل الف: قرآن که اعتبار آن قطعی است و دلالت آن بر اساس نوع آیات با رجوع به لغت و مفاهیم و تفاسیر به دست می‌آید و ب: روایات پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام. منابع روایی با معیار درجه‌بندی کتب روایی (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵-۲۸۶) شامل کتاب‌های درجه الف (کتاب‌های مقبول و مورد اعتماد شیعیان)، کتاب‌های درجه ب (دارای صلاحیت نسبی) و کتاب‌های درجه ج (کتاب‌های ضعیف که به‌عنوان مؤید یا با اولویت دوم استفاده می‌شوند) مورد استناد قرار گرفته‌اند. سوم: رجوع به منابع دینی جهت شناسایی مفاهیم و موضوعات مرتبط با نظریه اریکسن. چهارم: دسته‌بندی گزاره‌های دینی مربوط از جهت موضوعی و مفهومی. پنجم: استنباط، استخراج و تطبیق گزاره‌های دینی با مفاهیم و موضوعات نظریه اریکسن.

یافته‌ها

اریکسن و نگرش به مذهب و معنویت

شواهد معتبری در دست نیست که نشان دهد اریکسن در خلال سال‌های بزرگسالی در سازمانی مذهبی فعال بوده است. با این وجود، با مراجعه به کتاب‌های وی مطالبی به دست می‌آید که از علاقه اریکسن به دین حکایت دارد (ولبورن، ۲۰۱۳). اریکسن در نوجوانی در پی هویت دینی خود تحت تأثیر کشیش پروتستان قرار گرفت که در نوشته‌هایش این تجربه را در طول زندگی خود بی‌نظیر توصیف کرده است (اریکسن، ۱۹۵۸). او درباره نقش دین و معنویت در خلال ۸ مرحله تحول مطالبی را نگاشته است (زوک^۱، ۱۹۹۰). در نوشته‌های وی معنویت با رشدیافتگی پیوند خورده است. اریکسن مرحله هشتم از تحول انسان که یکپارچگی در برابر نومیذی است را فرصتی برای به دست آوردن «کیفیت متعالی»^۲ زندگی می‌داند (ولبورن، ۲۰۱۳، ص ۱۱۰).

از دیدگاه اریکسن، مذهب کارآمد، رشد و تعالی انسان را به دنبال دارد و برخی رهبران دینی مانند گاندی و لوتر به چنین مذهبی پایبند بوده‌اند و با توسعه خود، زمینه رشد مذهب را نیز فراهم آورده‌اند. در مقابل، رهبران کلیسا افراد را به رکود و پذیرش تقدیرات جبری در شرایط خاص ترغیب می‌کنند (اریکسن، ۱۹۶۸). اریکسن معتقد است که وجود انسان‌های تکامل‌یافته‌ای مانند لوتر و گاندی نشان می‌دهد که دین و ایمان نه تنها موجب رشد شخصیت می‌شود بلکه باعث می‌شود نژاد بشر به سطوح بالایی معنویت دست یابند (ولبورن، ۲۰۱۳).

بر اساس دیدگاه اسلامی تحول و رشد مناسب انسان در گروه ایمان مذهبی و ارتباط با خدا رقم می‌خورد و انسان مؤمن از رشد و هدایت معنوی بهره می‌برد و خدا انسان را «به رشدیافتگی هدایت می‌کند»^۳ (جن: ۲). افرادی که خدا را فراموش می‌کنند به خود فراموشی نیز دچار می‌شوند و از فرایند رشد بازمی‌مانند^۴ (حشر: ۱۹). با وجود این، ایمانی رشدیافته است که درونی و با خلوص همراه باشد. در این میان، افرادی که ایمان مبتنی بر دوسوگرایی را برمی‌گزینند و به دنبال بهره‌مندی از ظواهر دین هستند، دین‌دار واقعی به شمار نمی‌آیند و مصداق این آیه‌اند که «گروهی از مردم می‌گویند به خدا و روز قیامت ایمان آوردند، درحالی‌که ایمان ندارند»^۵ (بقره: ۸) و از رشد و

1. Zock, H

2. Transcendental Quality

۴. لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ.

۳. يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ

۵. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ

هدایت معنوی بهره نمی‌برند و زمینه آسیب‌های فردی خود را فراهم می‌سازند^۱ (بقره: ۱۶).

اسلام و مفروضه‌های انسان‌شناسی اریکسن

به‌منظور بررسی مبانی انسان‌شناسی رشد و شخصیت انسان لازم است ۱۱ مؤلفه انسان‌شناسی بررسی شود (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۴۰۰). بدین منظور، مؤلفه‌های مذکور با رویکردی تطبیقی بین دیدگاه اریکسن و دیدگاه اسلامی بررسی شد.

۱. **جبرگرایی در برابر انتخاب آزاد:** در این مسئله، اریکسن موضع میانه‌ای اتخاذ کرد. در حقیقت چهار مرحله اول رشد روانی اجتماعی به‌وسیله نیروی‌های محیطی تثبیت می‌شود اما در طی چهار مرحله آخر توانایی لازم برای حل بحران‌های قبلی و کنونی وجود دارد. از این رو، در این نظریه اعتراف به آزادی تا حدی وجود دارد (هجل^۲ و زیگلر^۳، ۱۹۹۲). از منظر آموزه‌های دینی انسان موجودی مختار آفریده شده است و اصولاً آمدن انبیا و نزول کتب آسمانی بدون توجه به اختیار انسان امری بیهوده است (مصباح، ۱۳۶۷). علی‌رغم همه شرایط و عوامل وراثتی و محیطی و با حفظ حاکمیت و اراده خداوند، انسان قادر است اعمال اختیاری انجام دهد. این مسئله از آموزه‌های دینی فراوانی قابل استخراج است. قرآن کریم می‌فرماید: «ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس»^۴ (انسان: ۳) و «بگو حق از پروردگارتان [رسیده] است پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند»^۵ (کهف: ۲۹).

۲. **بدبینی در برابر خوش‌بینی:** برخلاف فروید که تصویری تاریک و بدبینانه از ماهیت انسان ارائه داد، اریکسن برداشتی خوش‌بینانه و امیدوارکننده از ماهیت انسان دارد (فیست و فیست، ۲۰۰۸). اسلام نیز نگرش خوش‌بینانه‌ای به انسان دارد. خداوند در قرآن کریم بر خلقت احسن انسان و برتری بر بسیاری از مخلوقات تأکید دارد: «ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریده‌ایم»^۶ (تین: ۴) و بعد از خلقت انسان خود را بهترین خالق توصیف نموده است: «بزرگ است خدائی که

۱. مَا كَانُوا هُمْتِدِينَ

2. Hjelle, L. A

3. Ziegler, D. J

۴. اَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

۵. وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ

۶. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

بهترین خلق کنندگان است»^۱ (مؤمنون: ۱۴) و کرامت تکوینی دارد^۲ (اسراء: ۷۰). کرامت اکتسابی وی در گرو اعمال شایسته است و خداوند فرمود: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست»^۳ (حجرات: ۱۳).

۳. علیت در برابر غایت‌مندی: علیت یعنی رفتار انسان حاصل تجارب گذشته است اما در غایت‌مندی رفتار انسان بر اساس اهداف و آرمان‌های آینده شکل می‌گیرد. اریکسن از این نظر علیت را برمی‌گزیند. وی معتقد بود افراد بیشتر تحت تأثیر نیروهای زیستی و اجتماعی قرار دارند (فیست و فیست، ۲۰۰۸). از مجموعه آیات به‌روشنی به دست می‌آید که اگرچه برخی از عوامل درونی مانند غرایز و نیازها و عوامل بیرونی مانند مشوق‌ها، پاداش‌ها و تنبیه‌ها در انگیزه رفتار انسان تأثیر می‌گذارند اما اراده آزاد تعیین‌کننده است (بشیری، غروی و فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸ و جان‌بزرگی و همکاران، ۱۴۰۰). رفتار انسان بر اساس اراده آزاد و با توجه به اهداف و آرمان‌های معنوی ترسیم شده است که این مسئله غایت‌مندی را در انگیزه رفتار انسان نشان می‌دهد: «شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است»^۴ (آل‌عمران: ۱۳۳) «و در این نعمت‌های بهشتی باید راغبان بر یکدیگر پیشی گیرند»^۵ (مطففین: ۲۶).

۴. هشیار در برابر ناهشیار: اریکسن مانند فروید شخصیت فرد را قبل از نوجوانی عمدتاً تابع ناهشیار می‌داند اما افراد از نوجوانی و تشکیل هویت از اعمال و علل آن آگاه‌اند (فیست و فیست، ۲۰۰۸). بر اساس منابع دینی، رفتار انسان بر اساس مجموعه‌ای از گرایش‌ها و شناخت‌هایی است که از زمینه‌های وراثتی، محیطی و رفتارهای ارادی گذشته متأثر است. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل آیه «بگو هر کس بر اساس شاکله‌اش عمل می‌کند»^۶ (اسراء: ۸۴)، «شاکله» را همان خلق و خوی می‌داند که از مجموع غرایز، ویژگی‌ها و عوامل خارجی که در فرد شکل گرفته است.

۱. قَتَبَاكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

۲. لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

۳. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ

۴. وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَحَتَّىٰ عَرْضَهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

۵. وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَفَّسْ الْمُتَنَفِّسُونَ

۶. قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكَلِهِ

این امر اقتضای رفتار خاصی را در فرد به وجود می‌آورد اما ضرورتاً علت تامه رفتار نیست (طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۱۳)؛ اما آنچه تعیین‌کننده رفتار انسانی است جنبه هشیار شخصیت انسان است و به تعبیر دیگر، اگرچه رفتار انسان تحت تأثیر هر دو بعد هشیار و ناهشیار شخصیت است، باوجوداین، جنبه هشیار بیشتر غلبه دارد (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۴۰۰). آیات متعددی از قرآن کریم، انسان را به پیروی این امر هشیارانه فرامی‌خواند: «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۲)، «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یونس: ۱۶)، «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره: ۲۱۹ و ۲۶۶)، «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» (انعام: ۵۰)، «لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون: ۳). سعادتمند واقعی کسی است که به‌طور آگاهانه و هشیارانه راه و رسم صحیح زندگی را برمی‌گزیند: «بندگان مرا بشارت ده، کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آن‌ها کسانی‌اند که خدا هدایتشان کرده و آن‌ها خردمندان‌اند»^۱ (زمر: ۱۸).

۵. عوامل وراثتی در برابر عوامل محیطی (اجتماعی): اریکسن بیشتر بر عامل اجتماعی تأکید دارد. هر چه افراد در مراحل هشت‌گانه پیش می‌روند تأثیرات اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای نیرومندتر می‌شود (فیست و فیست، ۲۰۰۸). اسلام بر هر دو عامل وراثت و محیط تأکید دارد و بخش عمده‌ای از شخصیت انسان را محصول آن دو می‌داند؛ اما به دلیل اینکه ادیان الهی برای هدایت همه انسان‌ها با هر نوع تفاوت وراثتی آمده‌اند، از سوئی ملاک ارزش‌گذاری درگرو ایمان و عمل صالح است^۲ (بقره: ۸۲)، بر این اساس، طبیعت انسان بیشتر تحت تأثیر عوامل تربیتی و محیطی قرار دارد (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۴۰۰). در روایت امام صادق علیه السلام به این مطلب تصریح شده است: «هیچ‌کس نیست مگر اینکه بر اساس فطرت پاک الهی متولد می‌شود پس این پدر و مادر اویند که او را یهودی و مسیحی و زرتشتی می‌کنند»^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵).

۶. کلی‌نگری در برابر جزئی‌نگری: اریکسن قائل به مفهومی کل‌گرایانه از انسان بود. انسان‌ها را کلیت‌های در حال تحول، تصور می‌کرد که در حال حرکت از مراحل گسترده هشت‌گانه روانی اجتماعی ترسیم می‌شوند (هجل و زیگلر، ۱۹۹۲). قرآن کریم مراحل و ماهیت خلقت انسان را این‌گونه ترسیم می‌نماید: «ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم، سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم، سپس نطفه را به‌صورت علقه (خون بسته) و علقه را به‌صورت مضغه

۱. قَبِيضٌ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ

۲. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۳. مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُولَدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَاؤُهُ النَّدَانُ يَهُودِيَانِهِ وَيَنْصَرَانِهِ وَيَمَجْسَانِهِ

(چیزی شبیه گوشت جویده) و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم، از آن پس آن را آفرینش تازه‌ای ایجاد کردیم»^۱ (مؤمنون، آیات ۱۲-۱۴). نفس انسان ماهیتی دو ساحتی دارد که علاوه بر جنبه مادی از عنصری مجردی بهره‌مند است که روح یا نفس مجرد نامیده می‌شود. تعبیر «آفرینش تازه» در این آیه شریفه، به جنبه مجرد انسان اشاره دارد که از کارکردهای آن ادراک، اراده و تفکر است (طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۵۲). از آنجایی که حقیقت انسان، نفس مجرد تجزیه‌ناپذیر است و کارکردهای اصلی انسان از آن ناشی می‌شود؛ بنابراین، ماهیت انسان را کل واحد تجزیه‌ناپذیر تشکیل می‌دهد که به‌طور ارادی و هدفمند عمل می‌کند.

۷. تغییرپذیری در برابر تغییرناپذیری: اریکسن به مفروضه تغییرپذیری پایبند بود و معتقد بود افراد از طریق سلسله مراحل روانی اجتماعی درگیر وظایف تحولی جدیدی می‌شوند (هجل و زیگلر، ۱۹۹۲). از آیات قرآن کریم می‌توان استفاده کرد که طبیعت انسان به‌گونه‌ای است که دائماً در حال تغییر و تحول است اگرچه در دورانی مانند کودکی و نوجوانی از شتاب بیشتری برخوردار است (بشیری و همکاران، ۱۳۸۸). به دلیل قابلیت تغییر در انسان است که قرآن کریم انسان‌ها را به سوی خداوند فرامی‌خواند و بسیاری از آنان این دعوت را لبیک می‌گویند: «خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش همانند یکدیگر است، آیاتی مکرر دارد (تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی می‌افتد که از پروردگارشان خاشع‌اند سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود، این هدایت الهی است»^۲ (زمر: ۲۳).

۸. ذهنیت در برابر عینیت: مراحل و بحران‌های روانی اجتماعی به‌گونه عینی تعیین شده است و نشان می‌دهد اریکسن علی‌رغم پذیرش مسائل ذهنی، بیشتر عینیت را ترجیح می‌دهد (هجل و زیگلر، ۱۹۹۲). یکی از ویژگی‌های انسان از منظر اسلام، اندیشه‌ورزی است. رفتار و نیت انسانی حاصل اندیشه و تلاش فکری انسان در جهت شناخت خود و جهان پیرامون است؛ بنابراین، ضمن پذیرش این حقیقت که عوامل محیطی و عینی، رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند اما شناخت، اراده، قصد و نیت و تفکر پویا همه از امور ذهنی‌اند که انسان را از موجودی منفعل به موجود فعال تأثیرگذار تبدیل می‌کند (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۴۰۰). آیات فراوانی از قرآن انسان را به تفکر و

۱. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ

۲. اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَفْصِيحٌ مِنْهُ جُلُودٌ أَلْبِينٌ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلْبِينٌ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ

تدبر در جهان هستی ترغیب می‌کند: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یونس: ۱۶) و «آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز به‌حق و برای زمان معینی نیافریده است؟»^۱ (روم: ۸).

۹. **تعادل در برابر تکامل:** در نظریه اریکسن افراد در طول زندگی با بحران‌های روانی مواجه می‌شوند. حل هر یک از این بحران‌ها موجب رشد و تسلط بر جهان می‌شود و حرکت روبه‌جلو را به نمایش می‌گذارد که این امر، نظر انگیزشی تکامل را نشان می‌دهد، هرچند گرایش به تکامل با پذیرش بنیان غریزی زیستی فروید تعدیل می‌گردد (هجل و زیگلر، ۱۹۹۲). از منظر آموزه‌های دینی اگرچه نیازهای اولیه جنبه حیاتی دارند و به‌ویژه در سنین کودکی هدف، ارضا نیاز و کاهش تنش است اما جهت نیل به اهداف برتر و کمال، در بسیاری از موارد باید ارضای برخی نیازها را به تأخیر انداخت و تنش‌ها را پذیرفت مانند روزه، جهاد و حج؛ بنابراین، انسان باید به‌طور ارادی، از برخی نیازهای زیستی خود چشم‌پوشی کند تا به حیات طیبه برسد (بشیری و همکاران، ۱۳۸۸).
قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس عمل صالح انجام دهد درحالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد»^۲ (نحل: ۹۷). آیات دیگری کمال و سعادت واقعی انسان را تقرب به خدا می‌دانند یعنی بازگشت به مبدأی که از آنجا نشئت گرفته است: «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم»^۳ (بقره: ۱۵۶) و در سایه ایمان و عمل صالح سعادت و کامیابی حقیقی را تجربه کند: «توای روح آرام یافته، به‌سوی پروردگارت بازگرد در حالی هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است و در سلک بندگانه داخل شو و در بهشت وارد کن»^۴ (فجر: ۲۷ - ۳۰).

۱۰. **درون‌کنشی در برابر واکنشی:** مراحل ابتدایی نظریه اریکسن بیشتر واکنشی است و به‌مرور زمان با آشکار ساختن هر یک از مراحل متوالی تحول، درون‌کنشی‌تر می‌شود. به عبارتی، توصیف مرحله‌ای اریکسن از نوجوانی تا پیری نشان می‌دهد افراد قادرند رفتار خود را درون‌کنشی کنند (هجل و زیگلر، ۱۹۹۲). از مجموع آیات قرآن کریم نیز می‌توان استفاده کرد که علت اصلی رفتار،

۱. أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسْتَقِيمٍ

۲. مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۳. إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

۴. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ

در درون فرد شکل می‌گیرد: «گوش و چشم و دل‌ها همه (در قبال رفتار انسان) مورد سؤال واقع می‌شوند»^۱ (اسراء: ۳۶) و «هر کس در گرو اعمال خویش است»^۲ (مدثر: ۳۸).

۱۱. شناخت‌پذیری در برابر شناخت‌ناپذیری: در مجموع از نگاه اریکسن می‌توان ماهیت انسان را بیشتر شناخت‌پذیر ارزیابی کرد. بخشی از پابندی وی به شناخت‌پذیری انسان از طریق شرح جامعی که وی از چرخه زندگی ارائه می‌دهد بیان می‌شود (هجل و زیگلر، ۱۹۹۲). در قرآن کریم، آیات فراوانی وجود دارد که به نحوه خلقت، مراحل رشد و ساحت‌های وجودی انسان پرداخته است و انسان را متوجه نفس و رفتارهای خود کرده است که همه این مسائل فرع بر شناخت‌پذیر بودن انسان است (بشیری و همکاران، ۱۳۸۸، جان‌بزرگی و همکاران، ۱۴۰۰). قرآن کریم می‌فرماید: «انسان باید نگاه کند که از چه چیز آفریده شده؟ از یک آب جهنده آفریده شده است آبی که خارج می‌شود از میان «پشت» و «سینه‌ها»^۳ (طارق: ۵-۷). «ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم، سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم، سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم، از آن پس آن را آفرینش تازه‌ای ایجاد کردیم»^۴ (مؤمنون، آیات ۱۲-۱۴)، هر چند آفرینش تازه انسانی یا همان بعد روحانی به‌طور کامل قابل شناخت نیست. جدول ۱ مؤلفه‌های انسان‌شناسی را از دیدگاه اسلامی با نظریه اریکسن مقایسه کرده است.

جدول ۱: مقایسه مؤلفه‌های انسان‌شناسی دیدگاه اسلامی با نظریه اریکسن

مؤلفه	+۳	+۲	+۱	۰	-۱	-۲	-۳	مؤلفه
اراده آزاد	●	●		■				جبر
خوش‌بینی	●	■						بدبینی
غایتمندی			●			■		علیت
هشیار		●		■				ناهشیار
محیط		■	●					وراثت

۱. إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

۲. كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيئَةً

۳. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ

۴. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا

الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ

مؤلفه	+۳	+۲	+۱	۰	-۱	-۲	-۳	مؤلفه
کل نگر	■	●						جزئی نگر
تغییرپذیر	■	●						تغییرناپذیر
ذهنیت			●		■			عینیت
تعادل برتر (تکامل)		●	■					تعادل
درون‌کنشی		●		■				واکنشی
شناخت‌پذیر	■	●						شناخت‌ناپذیر

(●) دیدگاه اسلامی (■) نظریه اریکسن

مذهب و مراحل روانی اجتماعی اریکسن

از بین مراحل هشت‌گانه، سه مرحله از مراحل روانی اجتماعی به‌طور ویژه با مذهب و معنویت در ارتباط است (هوماس^۱، ۱۹۷۸؛ رایت^۲، ۱۹۸۲) و اریکسن نقش مذهب و معنویت را در آن برجسته کرده است. به‌طور ویژه مراحل اعتماد در برابر بی‌اعتمادی، هویت در برابر گم‌گشتگی هویت و یکپارچگی در برابر نومیدی، با دین و معنویت گره خورده‌اند. دین از طریق آیین‌های مذهبی^۳ و ارتباط متقابل با دیگران و جهان هستی، پایه‌های اجتماعی را برای اعتماد اصیل ناشی از پیوند مادری فراهم می‌آورد، وجدان را برای تلاش جهت تحقق احساس هویت ایجاد می‌کند و در نهایت نیرویی را فراهم می‌آورد که فرد با گذر از این مراحل به کشف «کیفیت متعالی» از خود واقعی دست پیدا کند (کاپس^۴، ۱۹۹۷). اریکسن با بررسی روانی تاریخی زندگی مارتین لوتر و ماهاتما گاندی نشان داد که چگونه این سه مرحله تح ول با دین و معنویت پیوند خورده‌اند (ولبورن، ۲۰۱۳، ص ۱۳۸). اگرچه می‌توان تمام مراحل روانی اجتماعی را در نظریه اریکسن مورد مطالعه قرار داد اما به دلیل اینکه اریکسن این سه مرحله را با مذهب و معنویت گره زده است، بحث بر این سه مرحله متمرکز می‌شود.

اعتماد در برابر بی‌اعتمادی (تولد تا ۱ سالگی): اریکسن در کتاب کودک و جامعه، به‌روشنی مرحله اول (اعتماد در برابر بی‌اعتمادی) را با مذهب و معنویت مرتبط کرده است. دین به‌طور مثال می‌تواند حس اعتماد در برابر بی‌اعتمادی را تحت تأثیر قرار دهد (اریکسن، ۱۹۶۳). آیین‌های مذهبی و ارتباط متقابل با افراد هم‌کیش، احساس اعتماد مادر را تقویت می‌کند (کاپس، ۱۹۹۷).

1. Homans, P

2. Wright, J. E

3. Rituals

4. Capps, D

وی پایبندی مذهبی والدین به ویژه مادر را در مرحله اول رشد روانی اجتماعی جهت شکل گیری اعتماد و امید در کودک، مهم ارزیابی می کرد و معتقد بود مذهب سازمان یافته با شکل دهی ایمان درونی مشترک، موقعیت اجتماعی مناسب را برای شکل گیری اعتماد فراهم می آورد (اریکسن، ۱۹۶۳). احساسات مذهبی والدین در قالب دعا و رفتارهای مذهبی، در پیشگاه قادر مطلق، امیدواری را تقویت می کند (اریکسن، ۱۹۶۴)؛ بنابراین، امید نیز در کودک از رابطه مناسب با مادر در بافت دین داری مادر رشد می یابد و در نهایت، امید و ایمان پایه های دین و زندگی را تشکیل می دهد (ولبورن، ۲۰۱۳).

از منظر متون اسلامی نقش مادر در برهه تولد فرزند اساسی است و حتی در صورت جدا شدن زن و مرد در سال های ابتدائی، حضانت و نگهداری از فرزند از حقوق مادر به شمار می آید. امام حسین علیه السلام می فرماید: «خدایا تو را سپاس که دل های پرورش دهندگانم را به من مهربان کردی و سرپرستی مرا به مادرانی مهربان واگذار نمودی»^۱ (قمی، ۱۳۷۷). در حدیث دیگری امام علی علیه السلام می فرماید: «از (نشانه های) رحمت خداوند این است که وقتی طفل، قدرت برخاستن و تغذیه ندارد، آن قوت و قدرت را در مادرش قرار می دهد و مادر را بر فرزند مهربان می کند تا تربیت و نگه داری فرزند را برعهده بگیرد»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳).

هویت در مقابل سردرگمی هویت (۱۳ تا ۱۹ سالگی): در مرحله پنجم از مراحل روانی اجتماعی، یکی از مسائلی مهمی که در هویت نوجوان دخیل است مذهب است. دین به وسیله آداب مذهبی صداقت و تعهد را در نوجوان تقویت می کند و موقعیت وی را به عنوان عضوی از مجموعه، گروه و خانواده متعالی تثبیت می کند (اریکسن، ۱۹۶۴). افرادی که احساس منسجمی از هویت کسب کنند، وفاداری به مذهبی خاص در آنان شکل می گیرد. با انسجام هویت، «من»^۳ به روشنی توسعه می یابد، فرد از گذشته خود جدا شده و وفاداری در وی رشد می یابد و نقشه راهی هستی شناختی برای خود برمی گزیند و به طور مستقل روی پای خود می ایستد (ولبورن، ۲۰۱۳). «من» مرکز آگاهی، احساس، تجربه و درک خود قرار می گیرد و فرد درمی یابد که هستم و زندگی می کنم. از سوئی دیگر فرد با سهیم شدن در ایمان مشترک با برادران و خواهران ایمانی، «من» خود را

۱. وَعَظَمْتُ عَلَى قُلُوبِ الْخَوَاصِّ وَكَفَّلْتُ الْأُمَهَاتِ الرَّوَاحِمَ

۲. وَمِنْ رَحْمَتِهِ أَنَّهُ لَمَّا سَلَبَ الطِّفْلَ قُوَّةَ النَّهْوِ وَالنَّعْدَى جَعَلَ تِلْكَ الْقُوَّةَ فِي أُمِّهِ وَرَفَّقَهَا عَلَيْهِ لِتَقْوَمَ بِتَرْبِيَّتِهِ وَحَضَانَتِهِ

بیش از پیش توسعه می‌بخشد (اریکسن، ۱۹۶۸). مرحله شکل‌گیری هویت، مرحله‌ای حساس در تحول مذهبی است، اگر فرد اعتماد، امید و ایمان را به‌درستی کسب کند، هویت واحد «من هستم» در وی شکل می‌گیرد. این مسئله موجب تحول ایدئولوژی مبتنی بر معنای زندگی می‌شود و فرد را به حس مشترکی از تعهد و وفاداری در برابر خداوند سوق می‌دهد (ولبورن، ۲۰۱۳).

بحران هویت و نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری هویت از منظر آموزه‌های اسلامی امری مسلم است. بر اساس متون دینی، شکل‌گیری هویت صحیح، در گرو جهان‌بینی الهی است و فقدان اعتقاد به خدا موجب گم‌گشتگی هویت می‌شود. امام علی علیه السلام به انگیزه انسان جهت پیگیری و حل بحران هویت، این‌گونه اشاره می‌فرماید: «انسان دارای عطشی است که فقط با پیمودن راه خدا و لقای خدا فرومی‌نشیند» (مجلسی، ۱۴۰۳). در گفتار دیگری می‌فرماید: «در شگفتم از کسی که چون چیزی را گم می‌کند به جست‌وجوی آن می‌پردازد، اما چون خود را گم می‌کند آن را نمی‌جوید»^۱ (آمدی، ۱۴۱۰). همچنین در گفتار دیگری هویت‌یافتگی حقیقی را در پاسخ به این سه پرسش می‌داند: «از کجا آمده است؟ کجاست؟ و به‌سوی چه مقصدی رهسپار است؟»^۲ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۱۷). از سوی دیگر، از منظر آموزه‌های اسلامی شناخت خود و هویت‌یابی فردی، مقدمه برای شناخت خدا و وفاداری به ایدئولوژی است: «هرکسی خود را بشناسد به تحقیق خدای خود را شناخته است»^۳ (آمدی، ۱۴۱۰). لازم به ذکر است که بر اساس دیدگاه اسلامی، شکل‌گیری هویت به دوران نوجوانی، محدود نمی‌شود. هرچند به‌طور طبیعی، افراد با گذار از دوران کودکی و شروع نوجوانی، برای اولین بار با پرسش‌های هویتی مواجه می‌شوند.

یکپارچگی در مقابل نومی‌دی (۷۵ سالگی تا مرگ): در مرحله هشتم از مراحل رشد، فرد با پدیده مرگ مواجه می‌گردد. در حقیقت فرد در این مرحله با بحران وجودی فراگیری درگیر می‌شود. ایدئولوژی که در نوجوانی شکل گرفته است در حل این بحران و شکل‌دهی خرد و یکپارچگی فرد نقش دارد (ولبورن، ۲۰۱۳). کسب هویت با سؤال از دین به مراحل بالاتر از نوجوانی کشیده می‌شود. سالمندان مذهبی گزارش داده‌اند که با مذهب، هدفمندی را پیدا کرده‌اند (ولبورن،

۱. عَجِبْتُ لِمَنْ يَنْشُدُ صَلَاتَهُ وَ قَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ فَلَا يَطْلُبُهَا

۲. رَجِمَ اللَّهُ اِمْرًا عَلِمَ مِنْ اَيْنَ وَفَى اَيْنَ وَ اِلَى اَيْنَ ؟

۳. مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ

۲۰۱۳). فرد ممکن است سال‌های متعددی را با ترس و درد ناشی از پایان زندگی سپری کند یا اینکه با کسب «خرد»^۱، شرایط موجود را به‌درستی مدیریت کند. در این صورت ممکن است به تجربه «خودتعالی»^۲ دست پیدا کند. این تجربه فراتر از ایدئولوژی است که از نوجوانی نشئت می‌گیرد. فرد به‌جای اینکه به‌وسیله اخلاقیات ناشی از «فرامن»^۳ محدود شود، با کسب «خرد» و با تجربه هشیار «خودتعالی»، از طریق «من برتر»^۴ خود را مدیریت می‌کند (اریکسن، ۱۹۷۰). این «خودتعالی» فراتر از «خودآگاهی»^۵ است و به دست یافتن به خود خالص فرد اشاره دارد (اریکسن، ۱۹۵۸). خدای «فرامن»، خداپدر مقتدری است که فروید درباره آن نوشته است. درحالی‌که خدای «من برتر» خدای متعالی است که بالاتر از خدای «فرامن» قرار دارد. خدای «من برتر» نه تصویر فرافکن شده از نیاز به مادر است که در دوران کودکی شکل گرفته باشد و نه تصویر فرافکن شده از نیاز به امنیت در «عقده ادیپ»^۶ است (ولبورن، ۲۰۱۳). به تعبیر اریکسن هر فردی که به یکپارچگی دست یابد چه صراحتاً یا تلویحاً می‌توان آن را مذهبی نامید زیرا در جستجوی امر درونی و آرزومند ارتباط با موجود اسرارآمیز و بی‌نهایت است (رایت، ۱۹۸۲). چنین افرادی بسیار بیشتر از سنشان خردمندی را به نمایش می‌گذارند. آن‌ها به‌جای اینکه همیشه خوشایند دیگران رفتار کنند، در مواقع لزوم به استقبال خطر می‌روند. جای شگفتی نیست که چنین پیران خردمندی، جوان به نظر می‌رسند و شادابی کودکانه در آنان دیده می‌شود. نمونه‌ای از این افراد را می‌توان عیسی مسیح و گاندی دانست (ولبورن، ۲۰۱۳).

در منابع اسلامی از کهولت به ضعف و سستی یاد می‌شود. قرآن کریم مراحل رشد کودکی، جوانی و پیری را بدین گونه ترسیم می‌کند: «خداست آن‌که شما را در [حالت] ناتوانی آفرید، آنگاه پس از ناتوانی، نیرومندی بخشید و باز پس از نیرومندی، ضعف و پیری پدید آورد؛ هر چه بخواهد، می‌آفریند؛ و او دانا و تواناست»^۷ (روم: ۵۴). در این مرحله بیش از پیش لازم است انسان پیوند خود را با مذهب و باورهای مذهبی مستحکم کند و خود را آماده مرگ و زندگی واپسین کند. امام صادق علیه السلام در کلامی عتاب‌آمیز می‌فرماید: «ای آن‌که موی سفید و دل سیاه داری، به هوش

1. Wisdom

2. Self-Transcendence

3. Superego

4. Super-I

5. Self-Awareness

6. Oedipal Complex

۷. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

باش که پیش رویت عذاب الهی و پشت سرت ملک‌الموت است. می‌خواهی چه کنی؟ روزی بچه بودی و نادان، روز دیگر جوان بودی و گناهکار، امروز پیر هستی و ریاکار، تو اکنون کجایی و در چه حالی؟ پس اعمال خوب و پسندیده‌ات کجاست؟»^۱ (طبرسی، ۱۳۸۵). در صورتی که فرد رشدیافتگی لازم را در مراحل پیشین به‌طور مناسب کسب کرده باشد در این مرحله قدرت خردورزی بارور شده و تکامل‌یافتگی و پختگی عقل را تجربه می‌کند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «وقتی افراد عاقل، پیر می‌شوند نیروی عقل در نهادشان جوان می‌شود و هنگامی که اشخاص جاهل به پیری می‌رسند جهل و نادانی در وجودشان جوان می‌شود»^۲ (آمدی، ۱۴۱۰). چنین فردی یکپارچگی شخصیت و معناگرایی در زندگی‌اش موج می‌زند، کلامش حکیمانه می‌شود و رفتارهای پیامبرگونه انجام می‌دهد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پیر در میان اهل خود چون پیامبر در امت خویش است»^۳ (طبرسی، ۱۳۸۵).

جنسیت

اریکسن در تحقیقات خود تفاوت‌های جنسیتی را تأیید کرد. بر اساس تحقیقات وی، دختران بر فضای درونی و ویژگی‌های باز بودن در برابر بسته بودن تأکید دارند در حالی که پسران بر فضای بیرونی و ویژگی‌های بلندی و کوتاهی تمرکز دارند (انگلس، ۲۰۱۳). بر این اساس، وی «اتکای تجربه فردی بر طرح بدنی» را مطرح کرد و فضای مولد درونی را عامل اصلی تحول دختران می‌داند و معتقد بود آگاهی زنان از ظرفیت تولیدمثل خویش بر تحول آن‌ها اثر می‌کند و توانایی بالقوه مادرگری تعیین‌کننده شخصیت آن‌هاست (دادستان، ۱۳۹۳، ص ۱۸۴). در آموزه‌های دینی نیز ضمن پذیرش تأثیر فرهنگ و جامعه بر تفاوت‌های جنسیتی، منشأ تفاوت‌های زن و مرد را ذاتی می‌داند که جهت تعامل مناسب دو جنس در نهاد آنان قرار داده شده است: «مردان از خصوصیات ویژه‌ای بهره‌دارند و زنان از خصوصیات ویژه دیگری»^۴ (نساء: ۳۲). علامه طباطبائی در ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: به خاطر تفاوت در ویژگی‌های جنسیتی است که خداوند احکام

۱. يَا صَاحِبَ الشَّعْرِ الْأَبْيَضِ وَالْقَلْبِ الْأَسْوَدِ أَمَّاكَ النَّارُ وَخَلَقَ لَكَ مَلَكُ الْمَوْتِ فَمَاذَا تُرِيدُ أَنْ تَعْمَلَ كُنْتَ صَبِيحًا وَكُنْتَ جَاهِلًا وَكُنْتَ سَابِقًا وَ

كُنْتَ قَابِقًا وَكُنْتَ شَيْخًا وَكُنْتَ مُرَائِيًا قَائِمًا أَنْتَ وَأَيُّنَ عَمَلُكَ

۲. إذا شاب العاقل شب عقله وإذا شاب الجاهل شب جهله

۳. الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ

۴. لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ

جداگانه‌ای برای هر دو جنس زن و مرد وضع کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷).

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مذهب و معنویت در نظریه اریکسن و ارزیابی نظریه وی بر اساس منابع اسلامی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بر اساس این نظریه، مذهب و معنویت با رشد یافتگی انسان گره خورده است و این مسئله بر اساس آموزه‌های اسلامی به‌شدت مورد توجه است.

یافته دیگر اینکه مفروضه‌های انسان‌شناسی اریکسن در بسیاری از موارد با آموزه‌های اسلامی همسوئی دارد. این مفروضه‌ها با ارزیابی اسلامی چنین توصیف می‌شود:

۱. اریکسن در مفروضه جبرگرایی در برابر انتخاب آزاد، موضع میانه‌ای انتخاب کرد و اسلام جایگاه بیشتری به انتخاب آزاد می‌دهد.

۲. در مفروضه بدبینی در برابر خوش‌بینی، اریکسن، برداشت خوش‌بینانه و امیدوارکننده از ماهیت انسان داشت. اسلام نیز نگرش خوش‌بینانه‌ای به انسان دارد.

۳. در مسئله علیت در برابر غایت‌مندی، اریکسن از نظر علیت با نمره بالا ارزیابی می‌شود؛ اما در آموزه‌های اسلامی بیشتر غایت‌مندی را در انگیزه رفتار انسان نشان می‌دهد.

۴. در مفروضه هشیار در برابر ناهشیار، اریکسن شخصیت فرد را قبل از نوجوانی عمدتاً تابع ناهشیار می‌داند اما افراد از نوجوانی و تشکیل هویت از اعمال و علل آن آگاه‌اند. بر اساس منابع دینی، رفتار انسان بر اساس مجموعه‌ای از گرایش‌ها و شناخت‌هایی است که از زمینه‌های وراثتی، محیطی و رفتارهای ارادی گذشته متأثر است؛ اما آنچه تعیین‌کننده رفتار انسانی است جنبه هشیار شخصیت انسان است.

۵. درباره عوامل وراثتی در برابر عوامل محیطی، هم اریکسن و هم منابع اسلامی نقش عوامل محیطی اجتماعی را برجسته می‌کنند.

۶. در مسئله کلی‌نگری در برابر جزئی‌نگری هم اریکسن و هم منابع اسلامی قائل به مفهومی کلی‌گرایانه از انسان‌اند.

۷. در مفروضه تغییرپذیری در برابر تغییرناپذیری هم اریکسن و هم منابع اسلامی به مفروضه تغییرپذیری پایبندند.

۸. در موضوع ذهنیت در برابر عینیت، اریکسن بیشتر جنبه عینیت را ترجیح می‌دهد در حالی که از



منابع اسلامی جنبه ذهنیت انسان برجسته شده است.

۹. در مفروضه تعادل در برابر تکامل، اریکسن به تکامل گرایش داشت و اسلام نیز نگرش تکاملی به انسان دارد.

۱۰. در مسئله درون‌کنشی در برابر واکنشی، مراحل ابتدایی نظریه تحولی اریکسن بیشتر واکنشی است و به مرور زمان با آشکار ساختن هر یک از مراحل متوالی تحول، درون‌کنشی تر می‌شود. از مجموع آیات قرآن کریم نیز می‌توان استفاده کرد که علت اصلی رفتار درون فرد شکل می‌گیرد.

۱۱. در مفروضه شناخت‌پذیری در برابر شناخت‌ناپذیری هم اریکسن و هم آموزه‌های اسلامی انسان را بیشتر شناخت‌پذیر می‌دانند.

یافته دیگر پژوهش حکایت از آن دارد که از بین مراحل هشت‌گانه تحول روانی اجتماعی اریکسن، سه مرحله؛ اعتماد در برابر بی‌اعتمادی، هویت در برابر گم‌گشتگی هویت و یکپارچگی در برابر نومیدی، به‌طور ویژه با مذهب و معنویت در ارتباط هستند. دین از طریق آیین‌های مذهبی و ارتباط متقابل با دیگران و جهان هستی، پایه‌های اجتماعی را برای اعتماد اصیل ناشی از پیوند مادری فراهم می‌آورد، وجدان را برای تلاش جهت تحقق احساس هویت ایجاد می‌کند و درنهایت نیرویی را فراهم می‌آورد که فرد با گذر از این مراحل به کشف «کیفیت متعالی» از خود واقعی دست پیدا کند. از منظر آموزه‌های اسلامی نقش این سه مرحله در رشد انسان و اهمیت ایمان مذهبی در گذر از این مراحل مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته نهایی پژوهش حاکی از آن است که هم اریکسن و هم آموزه‌های اسلامی بر تفاوت‌های جنسیتی و تأثیر عوامل درونی در این تفاوت‌ها تأکید دارند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.
- آمدی، عبدالوهاب بن محمد (۱۴۱۰). غررالحکم و درر الکلم. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بشیری، ابوالقاسم؛ غروی، سید محمد و فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۸). بررسی مفروضه‌های اساسی درباره ماهیت انسان از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام. روان‌شناسی و دین، ۵، ۷-۴۸.
- جان‌بزرگی، مسعود و همکاران (۱۴۰۰). نظریه‌های شخصیت، نقد و بررسی و مطابقت‌های

فرهنگی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسایل الشیعه. قم: موسسه آل‌البیت.
- دادستان، پریخ (۱۳۹۳). روان‌شناسی تحولی. تهران: سمت.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۲). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۸). طراحی و تدوین بسته زوج‌درمانگری چندوجهی با رویکرد اسلامی برای مداخله در روابط خارج از ازدواج. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۴). روان‌شناسی اسلامی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن الکریم. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: المكتبة الحیدریه.
- علی‌پور، مهدی، حسنی، سید حمیدرضا (۱۳۸۹). پارادایم اجتهادی دانش دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

• فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶). الوافی. اصفهان، انتشارات کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۷). کلیات مفاتیح الجنان. قم: علامه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۵). درس‌نامه فقه الحدیث. قم: موسسه علمی، فرهنگی دارالحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷). معارف قرآن. قم: موسسه در راه حق.
- نورعلی زاده، مسعود (۱۳۹۷). روش مدل‌یابی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی (قرآن و حدیث)، رساله دکتری روان‌شناسی. قم: موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

- Berger, A. A. (1982), Media Analysis Techniques, Newberry Park, Sage, 107-110.
- Capps, D. (1997). Childhood fears, adult anxieties, and the longing for inner peace: Erik H.
- Engler, B. (2013). Personality Theories. Wadsworth. Cengage Learning.
- Erikson, E. H. (1958). Young man Luther: A study in psychoanalysis and history. New York:W.W. Norton & Company.
- Erikson, E. H. (1963). Childhood and society (2nd ed.). New York: W. W. Norton



(Original work published 1950).

- Erikson, E. H. (1964). *Insight and responsibility: Lectures on the ethical implications of psychoanalytic insight*. New York: W. W. Norton.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: W. W. Norton & Company.
- Erikson, E. H. (1969). *Gandhi's truth*. New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1970). *Autobiographic notes on the identity crisis*. *Daedalus: Journal of the American Academy of Arts and Sciences*, 99(4), 730–759.
- Erikson, E. H. (1974). *Dimensions of a new identity*. New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1975). *Life history and the historical moment*. New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1982, 1997). *The life cycle completed: A review*. New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1994). *Identity and the life cycle*. WW Norton & Company.
- Erikson's psychoanalytic psychology of religion. In J. L. Jacobs & D. Capps (Eds.), *Religion, society, and psychoanalysis* (pp. 127–162). Boulder, CO: Westview Press.
- Feist, J., & Feist, G. J. (2008). *Theories of Personality*. New York. McGraw–Hill.
- Friedman, H. S., & Schustack, M. W. (2006). *Personality: Classic theories and modern research*. Boston: Pearson.
- Hjelle, L. A., & Ziegler, D. J. (1992). *Personality theories: Basic assumptions, research, and applications*. McGraw-Hill Humanities, Social Sciences & World Languages.
- Homans, P. (1978). *The significance of Erikson's psychology for modern understandings of religion*. In P. Homans (Ed.), *Childhood and selfhood: Essays on tradition, religion, and modernity in the psychology of Erik H. Erikson* (pp. 231–263). London: Associated University Presses.
- of religion. Amsterdam: Rodopi.
- Rader, S. (2007). *Qualitative Methods of Data Analysis*, Zurich: Swiss- Federal Institute of Technology.
- Thomas, R. M. (2000). *Comparing theories of child development*, U. S. A:

Wadsworth/Thomson Learning.

- Walborn, F. (2013). Religion in Personality Theory. Academic Press.
- Welchman, K. (2000). Erik Erikson, his life work and significance Buckingham, philadelphia: Open University Press.
- Wright, J. E., (1982). Erikson: Identity and religion. New York: The Seabury Press.
- Zock, H. (1990). A psychology of ultimate concern: Erik H. Erikson's contribution to the psychology.

